

پژوهشکده فلسفه‌ی تحلیلی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (IPM) مفتخر است که به اطلاع برساند اولین سمینار دانشجویی فلسفه‌ی تحلیلی در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۷ در محل پژوهشکده برگزار خواهد شد. شرکت برای عموم آزاد است.

مکان: تهران- میدان نیاوران- پژوهشگاه دانش‌های بنیادی، پژوهشکده فلسفه تحلیلی- تالار شماره ۱

پنج‌شنبه ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

عنوان	ساعت
درباره‌ی عواطف حمید وحید پژوهشگاه دانش‌های بنیادی	۹:۰۰ – ۱۰:۰۰
صدق بدون ارجاع: پاسخی به استقرای بدبینانه مهدی خلیلی دانشگاه صنعتی شریف	۱۰:۰۰ – ۱۱:۱۵
استراحت	۱۱:۱۵ – ۱۱:۳۰
ارجاع نمایه‌ای: دفاع از قصدگرایی مشهود صفر دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات	۱۱:۳۰ – ۱۲:۴۵
استراحت و نهار	۱۲:۴۵ – ۱۴:۴۵
نظریه‌ی هیومی: دلایل و شرایط پس زمینه شهریار خسروی دانشگاه تهران	۱۴:۴۵ – ۱۶:۰۰
استراحت	۱۶:۰۰ – ۱۶:۱۵
تقویم‌گرایی و نرم‌تنیویته‌ی الزامات اخلاقی هادی صفائی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی	۱۶:۱۵ – ۱۷:۳۰

چکیده‌های سخنرانی‌های اولین سمینار دانشجویی فلسفه‌ی تحلیلی

حمید وحید: درباره‌ی عواطف

عواطف (از قبیل ترس، خشم و غم) از مهمترین جنبه‌های حیات شناختی و ذهنی ما بوده که دخالت تامی نیز در نحوه رفتار و افعال ما دارند. علیرغم آنکه به لحاظ سنتی عواطف در برابر عقل قرار داده شده است، امروز روانشناسی مدرن نقش مهم عواطف را در حوزه‌های گوناگون شناختی و از جمله اندیشیدن کاملاً به رسمیت می‌شناسد. در این سخنرانی کوشش می‌شود علاوه بر توضیح جنبه‌های گوناگون عواطف، به ارزش معرفتی آنها نیز اشاره شود. همچنین نقش عواطف در فلسفه اخلاق، علم به حالات ذهنی و معقولیت باورهای دینی تا حد امکان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مهدی خلیلی: صدق بدون ارجاع؛ پاسخی به استقرای بدبینانه

لری لائودن با استفاده از چندین مثال نقض علیه برهان «معجزه نیست» استدلال کرده است. این استدلال مبتنی بر این پیش فرض است که صدق بدون ارجاع تصویرپذیر نیست. من فکر می‌کنم نسبت دادن صدق (تقریبی) به نظریه بدون نسبت دادن ارجاع به هویت های آن نظریه ممکن است پس برهان معجزه نیست همچنان قابل دفاع است. در این جهت، «واقع گرایی مات» را پیشنهاد می‌کنم که طبق آن یک نظریه تقریباً صادق است حتی اگر نتوان مشخص کرد کدام بخش های آن به درستی ارجاع می‌دهند. طبق این تلقی، پیشرفت علمی نامستور کردن واقعیت با چنگ زدن به آن به کمک مفهوم های جدید است، لذا پیشرفت علم مستلزم کنار گذاشتن اصطلاحات نظریه های قبلی است و این موجب می‌شود هویت های نظریه های قبلی بدون ارجاع گردند، اما همچنان می‌توان از صدق گزاره های حاوی آنها سخن به میان آورد. واقع گرایی مات راهبردی در اختیار واقع گرایان قرار می‌دهد تا موفقیت نظریه های پیشین را توضیح دهند: آن موفقیت ها به کمک اصطلاحات نظریه های کنونی قابل بیان دیگرگون اند. این راهبرد برای رد استدلال لائودن کفایت می‌کند، همچنین این راهبرد نسبت به راهبرد واقع گرایان گزینشی (که شامل راهبرد تفرقه بینداز و حکومت کن پسیلوس، پیشنهاد ویکرز، و واقع گرایی ساختاری است) ترجیح دارد. در انتها، بر اساس راهبرد پیشنهادشده موفقیت نظریه نجوم بطلمیوسی درباره پیش بینی مسیر حرکت سیارات خارجی توضیح داده خواهد شد. این نظریه که حاوی هویت هایی است که ارجاع نمی‌دهند، تاحدودی صادق است.

مشهود صفر: ارجاع نمایه‌ای دفاع از قصدگرایی

بر اساس نظریه‌ی کپلن، نمایه‌ای‌های «من»، «اینجا» و «اکنون» به ترتیب به اظهارگر، مکان اظهار و زمان اظهار ارجاع می‌دهد. قصدگرایی در مقابل مدعی است ارجاع نمایه‌ای‌ها با توجه به قصد گوینده متعین می‌شود. این دیدگاه در مواجهه‌ی اول عجیب به نظر می‌آید ولی من در این مقاله نشان خواهم داد نظریه‌ای قابل اعتناست. رویکرد من در این مقاله، سلبی است. ابتدا نشان خواهم داد که دو دیدگاه از مهم‌ترین دیدگاه‌های رقیب قصدگرایی، یعنی دیدگاه مبتنی بر بافتار مصداقیابی (COT) و قراردادگرایی با مشکلاتی روبه‌رو هستند و سپس سعی خواهم کرد حملاتی که قصدگرایی را به چالش کشیده، دفع کنم و از ناکارآمدی آن‌ها سخن بگویم.

شهریار خسروی: نظریه‌ی هیومی، دلایل و شرایط پس‌زمینه

اگر کسی، به گونه‌ای عقلاً موجه، دست به عملی بزند، می‌گوییم که او بر اساس دلایل خود عمل کرده است. این نحوه‌ی سخن گفتن از اعمال انسانی در دو سه دهه‌ی اخیر، پدیده‌ی جدیدی را به مرکز فراخلاق معاصر و مباحث مربوط به عقل عملی وارد کرده است: دلایل هنجاری برای عمل. لذا بحث درباره‌ی ماهیت این دلایل، شرایط لازم و کافی برای بروز آنها و نحوه‌ی تفرّدشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. من کوشیده‌ام بر بستر یکی از مهم‌ترین نظریه‌های رایج درباره‌ی ماهیت دلایل عملی، یعنی «نظریه‌ی هیومی دلایل»، درباره‌ی یکی از تلقی‌های رایج درباره‌ی نحوه‌ی تفرّد دلایل یعنی دلایل همچون اشیائی جدا از شرایط لازم برای بروز آنها، عمدتاً در تقابل با روایت شرودر (۲۰۰۷) از نظریه‌ی هیومی به بحث پردازم. کوشش من در گام اول این بوده که نشان دهم که این تلقی از تفرّد دلایل بر خلاف آنچه شرودر می‌اندیشد نمی‌تواند چالش‌های دیرپای نظریه‌ی هیومی را برطرف کند. اما در گام دوم نشان داده می‌شود که اساساً تمایز دلایل و شرایط پیش‌زمینه‌ی آنها چه از لحاظ معرفت‌شناختی و چه از نظر مابعدالطبیعی قابل قبول نیست.

هادی صفایی: تقویم‌گرایی و نرماتیویته الزامات اخلاقی

تقویم‌گرایی مدعی است که صدق‌های نرماتیو بر روی صدق‌های مربوط به ویژگی‌های سازنده کنش و کنش‌گری مبتنی می‌شوند. تقویم‌گرایان وعده می‌دهند که می‌توانند نرماتیو بودن الزامات و دلایل اخلاقی را به‌واسطه ویژگی‌های سازنده کنش‌گری توضیح بدهند. در انتقاد به تقویم‌گرایی، دیوید ایناک (۲۰۰۶) استدلال می‌کند که هنگامی تقویم‌گرایی می‌تواند به پرسش نرماتیو «چرا باید اخلاقی باشیم؟» پاسخ بدهد که بتواند به این سؤال نرماتیو پاسخ بدهد که «چرا باید کنش‌گر باشیم؟». اما تقویم‌گرایی نمی‌تواند به پرسش نرماتیو درباره کنش‌گری پاسخ بدهد. در نتیجه، تقویم‌گرایی نمی‌تواند نرماتیویته الزامات اخلاقی را تبیین کند. در پاسخ به ایناک، تقویم‌گرایان مدعی شده‌اند تا جایی که پرسش نرماتیو درباره کنش‌گری معنای محصلی دارد، تقویم‌گرایی می‌تواند به آن پرسش پاسخ بدهد. در این مقاله استدلال می‌کنم که دو نوع تأمل و پرسش نرماتیو وجود دارد و حتی اگر تقویم‌گرایی بتواند به یکی از این پرسش‌های نرماتیو درباره کنش‌گری پاسخ بدهد، از پاسخ به پرسش نوع دوم ناتوان است. اما تقویم‌گرایی هنگامی می‌تواند نرماتیویته الزامات اخلاقی را توضیح بدهد که بتواند به هر دو نوع پرسش نرماتیو درباره کنش‌گری پاسخ بدهد. بنابراین تقویم‌گرایی نمی‌تواند نرماتیویته الزامات و دلایل اخلاقی را توضیح بدهد.